سال پنجم. شماره ۲. پاییز و زمستان ۱۴۰۰

# تحلیلی بر زیبایی و کارکردهای معنایی قفل‌های مجسمه گونه ایرانی (نمونه‌ی موردی: قفل چالشتر)

**حسین ابراهیمی ناغانی***
استادیار دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد
**کبری رفیعی طاقانکی**
کارشناس صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه شهرکرد

**چکیده**

نیاز به امنیت در ایران مانند سایر نقاط جهان نقش عمده‌ای در گسترش و ایجاد دکان‌های قفل‌سازی داشته است. بااین‌وجود نیاز به امنیت تنها دلیل قفل‌سازی در ایران نبوده و قفل یکی از عوامل برآوردن نیازهای معنوی ایرانیان نیز بوده است. قفل از این منظر حاوی مفاهیم رمزی است و چون دفتری که گشوده شود، رازهای نهانی در سینه دارد. اما عامل زیبایی در قفل و نظایر این هنر–صنعت همیشه ارادی و تابع انتخاب نبوده است. بلکه ناشی از تهمید و شگرد هنرمندان ایرانی در گریز از محدودیت‌ها و تحریم‌های عمدتاً مذهبی و ایدئولوژیک بوده که آزادی هنر را محدود می‌کرد. اگر منع شده بود برای ساخت مجسمه و شمایل‌نگاری، ابزارهایی همچون قفل را [که استفاده از آن ناگزیر می‌نمود] تبدیل به زمینه‌ای می‌کرد برای هنرنمایی. اگر در معماری یا جاهای دیگر نمی‌توانست مجسمه‌های عظیم بسازد و در جای‌جای بنا به نمایش بگذارد، از سرستون‌ها و درون کتیبه‌ها گرفته تا قفل و ... آن‌ها را با شگردهای زیبایی شناسانه با وجوه کاربردی در هم می‌آمیخت. از دیگر منظر، قفل به‌تبع درآمیختگی صناعت و زیبایی در ایران‌زمین، مشحون از بارقه‌های زیبایی شناسانه ایرانی است. ادغام این ظرایف و هنر ورزی‌ها تا به حدی میرسد که قفل ایرانی همچون مجسمه می‌نماید.

التفات بیشتر ما به قفل‌های چالشتر در این تحقیق به علت دسترسی بهتر و همچنین ظرافت و زیبایی آن است. قفل‌های چالشتر از این منظر شهرت جهانی دارند. این قفل‌ها علاوه بر زیبایی و ظرافت، از کارکردهای نمادین نیz بی‌بهره می‌باشند. قفل‌های مجسمه گونه موردمطالعه نیز از کتاب قفل‌های ایرانی پرویز تناولی تهیه‌شده است.

این پژوهش قصد دارد با تحلیلی بر زیبایی‌های هنری و کارکردهای رمزی مندرج در قفل‌های مجسمه گونه ایرانی، مسیر بازشناخت بهتر کارکردهای هنری و زیبایی شناسانه هنر–صنعتهای ایرانی خصوصاً آن‌هایی که به لحاظ محدودیت‌های ایدئولوژیک برای هنرمند–صنعتگر ایجادشده بود، را هموار سازد و بر تمهید و شگردهای صناعتی –هنری صنعتگر–هنرمند ایرانی نقبی بزند.

**واژگان کلیدی**: قفل، قفل‌های مجسمه گون، زیبایی‌شناسی، کارکرد آیینی– رمزی، تمهید و شگردهای صناعتی–هنری.

نویسنده مسئول مکاتبات: hossein.ebrahiminaghani@gmail.com

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

**مقدمه**

صناعت با «مقوله‌ی زیبایی هنری» از گذشته‌های دور درهم‌تنیده شده است. قدرت فن و تقلید در انسان به‌مجرد ارتقاء و تکامل، منجر به برانگیختگی حس لطافت و زیبایی شناسانه می‌گردد و وقتی‌که اراده فراتر از برآوردن نیازهای کاربردی و سفارش برود، فرمان صناعت و قدرت فن به دست حس و عواطف زیبایی شناسانه می‌افتد. از اولین نگاره‌های غارنشینان می‌توان به‌خوبی دریافت که پس از فائق آمدن بر نیازهای خور و خواب، دغدغه‌ی «رنگ زیبایی به حیات زدن» همیشه با انسان بوده و همواره روحیات حسی معطوف به زیبایی را تجربه و تجسد کرده است. در این مسیر هر چه قدرت صناعت اش ارتقاء یافت، جواهر زیبایی در دست‌ساخته‌هایش نمود بیشتری یافت.

بر همین منوال، هنرمند صناعتگر ایرانی از تمثل و نمایش حس زیبایی شناسانه و عاطفی‌اش بر هیچ ماده‌ای حتی فلز دریغ نکرده و در مراتب اوج تمدنی ایران آنجایی که بیشتر به ساختن و عمران و آبادانی مشغول بوده، مآثر صناعتی به‌اندازه‌ای با هنر و زیبایی عجین شده که امروز در زمینه*هنرهای زیبا هرکدام به‌مانند یک اثر هنری قابل دسته‌بندی و شناسایی‌اند. قفل‌های قدیمی ایرانی یکی از همین مجموعه‌هاست.

در دورانی که حفاظت و صیانت از دارایی‌های ملموس انسان جدی‌تر شده و تقریباً هنر شکل بخشیدن به فلز را هم فراگرفته بود، قفل‌هایی ساخت با بارقه‌های هنری و زیبایی شناسانه. قفل‌های قدیمی را وقتی از حیث تاریخی بررسی می‌کنی، توالی صناعت- ظرافت-زیبایی را می‌توان ملاحظه کرد. در تاریخ هنر ایران، جایی که روح صناعت و زیبایی در فلز سخت و بی‌جان دمیده می‌شود قابلیت‌هایی بروز می‌کند و چیزهایی ساخته می‌شود که عمدتاً از کارکرد ابزارگونه فراتر می‌روند. همانند قفل. قفل با باورها و عقاید مردم ایران‌زمین گره خورده و البته به لحاظ جایگاهی که بالاصاله در اسطوره دارد و همانند سایر تمدن‌ها کارکردهای معنایی و رمزی بسیاری بر آن مترتب می‌باشد؛ چیزی بیشتر از یک ابزار بوده و برایشان گره و گشایش را تداعی می‌کرده است. نوشتن آیه‌های قرآن، اشعار، اعداد و علائم و حروف و نشانه‌های طلسم گونه و مهم‌تر از همه ساختن قفل در اشکال حیوانی که نمایانگر مجسمه‌سازی هنرمند ایرانی است، نشان‌دهنده‌ی اهمیت فراکاربردی قفل در ایران است.

آنچه نگارندگان این پژوهش را به تحقیق در مورد این هنر- صنعت ترغیب کرد، همان اعجاب و زیبایی‌های بصری و کارکردهای آیینی آن می‌باشد که می‌بینیم برای یک ایرانی سنتی تنها کاربرد یک ابزار نیست که دارای اهمیت است بلکه توقعات او بیشتر از یک ابزار است که همانا برآوردن حاجات و نیازهای روحی و روانی اوست. در بسیاری موارد ممنوعیت‌ها و تحریم‌های ایدئولوژیک حاکمان و فاتحان هم نتوانست روحیه هنروری ایرانیان را متوقف کند.

ایرانیان عمدتاً به‌اجبار خودکامگی و استبداد حاکمان، حاضر به تن دادن به انقیاد جهانگشایان بیگانه شدند. حال از سر لجاجت با حاکمان پندناموز و اصلاح ناطلب بوده یا امید به تغییر توسط قهرمانان بیگانه؛ هر چه بوده این را می‌پذیرفتند. اما آنچه هرگز نپذیرفتند، تن دادن به فرهنگ‌ها و آداب و رسوم وارداتی فاتحان بوده. حتی آنجایی که تحکم یا با داغ و درفش همراه می‌شد و یا ایدئولوژی دین تازه پذیرفته‌شده مانع بود، با ترفند و تمهیدات متعدد از آن نافرمانی مدنی کرده و آرام‌آرام عناصر تحمیلی را صبغه‌ی ایرانی می‌زدند. در خلال این تعصبات و اهتمام به پیگیری فرهنگ ایرانی، از دل محدودیت‌های بسیار، هنر و محصولاتی تولید می‌شد که منحصر بفرد می‌بود. اگر حاکمان مسلمان، مجسمه‌سازی و شمایل‌نگاری را با چاشنی مذهب و ایدئولوژی منع کرده بودند، هنرمند ایرانی، آنرا در ستون‌ها و سرستون‌های بنا و تزئینات دیگر به شکلی نرم و آرام‌آرام استحاله می‌داد و وارد می‌کرد. اگر دیگر نمی‌توانست مستقلاً مجسمه بسازد، این بی‌قراری را در دست‌ساخته‌های دیگر متبدل و متجسم می‌کرد و دست‌ساخته‌های افزارگونه اش را «مجسمه وار» می‌ساخت. تمامی هنرهای مربوط به بنا از دوره سلجوقی (زیباترین نمونه‌های اخیر، مجسمه‌های گچی سلجوقی است که در اثناء معماری تولید می‌شدند) تا قفل‌های ایرانی موضوع این تحقیق، به طرز چشمگیری متأثر از همین گفتمان بوجود آمدند. روح ایرانی همیشه برای هنر و زیبایی بی‌قرار بوده و کمتر جایی صناعتش بی‌بهره از وجوه زیبایی شناسانه است.

حتی در هنرهای مربوط به سنگ و حجاری باوجوداینکه ایرانیان بعد از پذیرش اسلام از مجسمه‌سازی منع شده بود و لذا به‌اجبار از ساختن مجسمه‌های هنرمندانه‌اش بازماند، آرام ننشست و اندیشید که چگونه دوباره می‌تواند این هنر را در متن و زمینه‌ای

* context

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

دیگر احیا کند. آنجا بود که هنرش بر روی سنگ‌قبرها نمود پیدا کرد و شیرهای سنگی نمادی از هنر مجسمه‌سازی منع شده در ایران بعد از اسلام شدند.

ارزش‌هایی که در هنر–صنعت سنتی و قدیمی ایرانی نهفته است ما را بر آن می‌دارد که اندیشه کنیم چگونه می‌توان کارکردی نوین برای این هنر زیبا و بی‌بدیل به جهت جلوگیری از احتضارش فراجنگ آوریم. به‌هیچ‌روی نمی‌توان توقع داشت که باوجود فنّاوری جدید و توسعه جنبه‌های جدید کاربردی، باید دوباره این قفل‌های سنتی را به درب خانه‌ها و صندوقچه‌ها ببندیم. بلکه باید کارکرد نوین و جدیدی برای آن تعریف کرد و از ظرفیت‌های بالقوه دیگری که در آن مستتر است بهره کافی را برد و با تغییرات جزئی در آن جلوه جدیدی از کاربرد و کارکرد را در آن بالفعل نمود. شاید بُعد کاربردی این هنر–صنعت ها تحت‌الشعاع محصولات جدید قرارگرفته باشد، اما نمی‌توان ابعاد هنری آن را کنار گذاشت و تنها این هنر زیبا را به موزه‌ها و اشیاء درون موزه محدود کرد.

## پیشینهٔ تحقیق

اندک مطالعاتی که پیشتر در این حوزه شده، عمدتاً بررسی وجوه تاریخی و یا گونه شناسی است که با روش توصیفی انجام گردیده. حتی کتاب «قفل‌های ایران» نوشته «پرویز تناولی» که نشر بن گاه منتشر کرده، با تمرکز بر ارزش‌های تصویری نمونه‌های فاخر قفل‌های ایرانی، نگاهی توصیفی دارد و پنجره‌ای از تحلیل آن‌گونه که در مقاله حاضر بر آن بازنمودیم، بر این حیطه ارزشمند باز نشده است. برخی از مقالات تألیفی در این خصوص به شرح زیر می‌باشند:

الف) مطالعه تطبیقی مکانیزم، فرم و تزئینات قفل‌های چالشتر دوره معاصر و قفل‌های اصفهان دوره صفویه – نویسندگان: آناهیتا بنی طالبی دهکردی و شهریار شکرپور – تابستان ۱۳۹۹– مجله هنرهای صناعی ایران سال سوم بهار و تابستان ۱۳۹۹ شماره ۱ (پیاپی ۴). ب) قفل و کلید در فرهنگ مردم ایران؛ با تأکید بر منطقه چالشتر– نویسندگان: اصغر عسگری خانقاه و سیمین ریاحی دهکردی –۱۳۸۹–مجله فرهنگ مردم ایران پاییز و زمستان ۱۳۸۹شماره ۲۲ و ۲۳. ج) قفل چالشتر؛ شیوهٔ ساخت، زیبایی و آسیب‌شناسی: نویسندگان حسین ابراهیمی ناغانی و سارا یزدان پناه– مجله کتاب ماه هنر ۱۳۸۷ شماره ۱۱۹.

## روش پژوهش

این پژوهش ازلحاظ روش، توصیفی– تحلیلی است. در این تحقیق تقریباً به علت وام گرفتن زمینه‌های تحلیلی از زیبایی‌شناسی فلسفی و نیز اخذ الگوهای مردم‌شناسی برای نشان دادن نشانه‌های رمزی در درون این محصولات، بینا رشته‌ای محسوب می‌گردد. تبیین زیبایی و تحلیل علت بروز زیبایی و عناصر نمادین در قفل، بدون تدقیق در سرشت زیبایی‌شناسی، اسطوره‌شناسی و مردم‌شناسی ممکن نیست. بااین‌وجود این مطالعه ادعایی بر نگاه محض نشانه‌شناسی و زیبایی‌شناسی بر نقش و فرم قفل‌ها ندارد و سعی دارد در راستای مطالعات قبلی نگارنده‌ی اول، که جنبه توصیفی داشته، زمینه نگاه تحلیلی بر این‌گونه محصولات را هموار سازد. داده‌های این تحقیق عمدتاً به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی به‌دست‌آمده است. نمونه‌های موردمطالعه، از نمونه‌های فاخر و شناخته‌شده می‌باشند. سعی شده به جهت دسترسی آسان‌تر و همچنین معروفیت، نمونه‌های فاخر قفل چالشتر را انتخاب کنیم.

### ۱. قفل

در معنی واژه‌ی قفل در فرهنگ فارسی معین گفته‌شده است: «آلتی فلزی که بدان در خانه، صندوق، دولابچه و غیره را بندند، کلیدان (Moein, 2002,p.1250)». در لغت‌نامه‌ی دهخدا قفل این‌گونه معرفی‌شده است: « قفل. هر چه خشک گردد از درخت. (منتهی الارب). آهنی است که بدان در را بندند (اقرب الموارد)[۱]».

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

شکل۱: قفل مجسمه گونه به شکل بز

مأخذ:https://www.iranicaonline.org/uploads/files/Locks/locks_fig_1.jpg

Fig 1: Lock of goat-shaped sculpture

Source :https://www.iranicaonline.org/uploads/files/Locks/locks_fig_1.jpg

## ۲. تاریخچه‌ی قفل و قفل‌سازی در ایران

اولین قفل دست‌ساز بشر از جنس چوب بود و استفاده‌ی آن در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد در منطقه‌ی خاورمیانه رواج داشت. نمونه‌هایی از این قفل‌ها و کلون‌ها در بین‌النهرین و فلسطین پیداشده است. در دایره المعارف معروف بریتانیکا از قول «وولف» می‌خوانیم که « قفل در ایران حداقل از هزاره دوم قبل از میلاد ساخته‌شده. قدیمی‌ترین قفل، متعلق به قرن سیزدهم پیش از میلاد، در زیگورات چغازنبیل در خوزستان حفاری شد [۲]». این قفل از نوع کلون می‌باشد. «گیرشمن معتقد است این قفل سنگی، دسته و یا شب‌بند یک کلون سنگی است که با بست های فلزی به یک درب چوبی نصب می‌شده است[۳]». این نوع کلون هنوز هم در بسیاری از مناطق ایران به‌ویژه بر درب باغ‌ها دیده می‌شود. دو لنگه درب سنگی متعلق به مقبره‌ی اردشیر سوم در موزه‌ی تخت جمشید نیز باقی است که هر یک اندازه ای حدود ۱,۵ * ۱,۵ متر طول و عرض دارد. بر روی یک لنگه از این درب‌ها سوراخی به قطر حدود ۶ سانتی متر وجود دارد که ممکن است محل داخل کردن کلید برای به عقب راندن دسته ی کلون از نوع کلون هومری بوده باشد که همه جا از اختراعات یونانیان به حساب آمده است.

شکل۲: قفل مجسمه گونه به شکل سگ

مأخذ:https://www.iranicaonline.org/uploads/files/Locks/locks_fig_2.jpg

Fig 2: Locking a dog-shaped sculpture.

Source: https://www.iranicaonline.org/uploads/files/Locks/locks_fig_2.jpg

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

شکل۳: قفل مجسمه گونه به شکل فانوس

مأخذ:https://www.iranicaonline.org/uploads/files/Locks/locks_fig_3.jpg

Fig 3: Lantern-shaped sculptural lock. Source: https://www.iranicaonline.org/uploads/files/Locks/locks_fig_3.jpg

قفل‌سازی از دوره‌ی ساسانیان در ایران رواج داشته است اما عمدتاً قفل‌هایی که مجسمه گونه ملهم از اشکال حیوانی هستند مربوط به قرن چهارم تا نهم هجری می‌باشند. همین‌جا باید تأکید کرد که کارکرد آیینی قفل‌ها در دوره‌ی ساسانی تقریباً منتفی است و به نظر می‌رسد این وجه نمادین عمدتاً در دوره اسلامی باب شده باشد که در دوره صفوی تقریباً به اوج می‌رسد. این هنر در گذشته از رونق فراوان برخوردار بوده است و در حال حاضر تعداد محدودی در این هنر–صنعت فعالیت می‌کنند.

در تمدن اسلامی ایران، قفل‌ها در هر شکل و اندازه ساخته می‌شدند. در قرون اول (سده های ۷ تا ۹ م)، قفل‌ها از همان شیوه ساسانیان پیروی می کردند. از قرن دهم به بعد، ساخت قفل تغییرات عمده‌ای کرد. ...[در این دوران] قفل‌های مجسمه‌ای به شکل حیوانات و پرندگان محبوب شد. تقریباً شکل همه حیوانات مانند اسب، شیر، بز، قوچ، شتر، خرگوش و گاومیش و ماهی‌ها و انواع پرندگان برای الگو استفاده می‌شد این قفل‌ها اغلب از برنز و برنج ساخته می‌شدند[۴](شکل ۱).

با روی کار آمدن صفویان (۱۷۲۲–۱۵۰۱) ، تحول عمده‌ای در ساخت قفل ایجاد شد. عشق صفویان به بازوهای [پنجه‌های] فولادی و دیگر وسایل فولادی باعث شد تا قفل‌سازان از این فلز برای قفل‌هایی استفاده کنند که قبلاً از برنز و برنج ساخته‌شده بودند (شکل ۲، شکل ۳). علاوه بر حیوانات ، بسیاری از اشکال جدید برای قفل‌های فولادی از اشیاء و ظروف مانند کشکول[۵]، چمدان و فانوس گرفته تا سایر اشکال هندسی در نظر گرفته شد[۶].

باوجوداینکه در اسلام عمدتاً مجسمه‌سازی با تحریم همراه بوده و بر آن تأکید هم می‌شد، اما قریحه هنجار گریز هنرمندان باوجودآنکه در جهان سنت همیشه عقیده و باور راسخ است، در عرصه‌های مختلف آنرا به شکلی دیگر هویدا ساخت. از مجسمه‌های گچی دوران سلجوقی بگیرید تا همین عرصه ساخت قفل‌های مجسمه گونه، به‌نوعی فرار هنرمند از محدودیت‌ها بوده است. قفل‌های صفوی به اعتباری می‌توان گفت مرجع شکل و فرم قفل در دوران پس از خود تا عصر صنعتی بوده است. با توجه به تأکید این مقاله بر نمونه‌ی موردی قفل چالشتر و پرهیز از اطناب در بخش تاریخی، معروض می‌دارد که در دوران صفوی و دوران پس‌ازآن علاوه بر شهرهای بزرگ، به فراخور در شهرهای کوچک نیز بسته به نوع نیاز، این صنعت پابرجای بوده و چون امنیت از وجوه مهم زندگی روزمره می‌بود، این صنعت تقریباً در همه زمان‌ها رونق خاص خود را داشت. قفل چالشتر از بسیاری جنبه‌ها میراث صفوی و قاجار را در خود دارد و علاوه بر آن میراث، از تأثیر فرهنگ تصویری بومی در جنبه‌های تصویری هم به دور نبوده است.

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

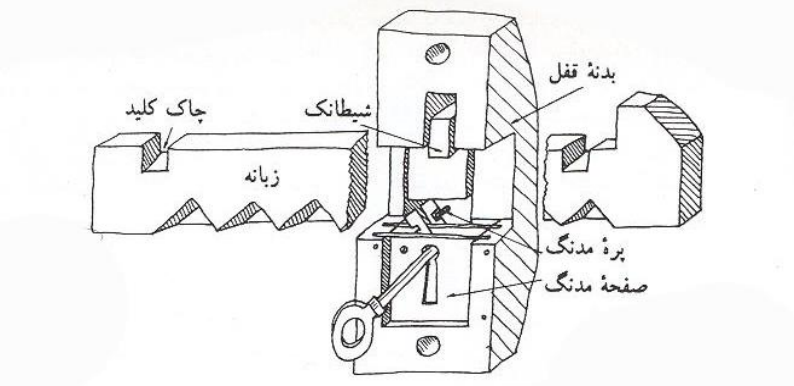


شکل ۴ : طرح کلون دندانه دار. مأخذ: هانس وولف، صنایع دستی ایران، ص ۹.
Fig 4: Toothed clone design. Source: Hans Wolf, Iranian Handicrafts, p.9

## ۳. انواع قفل در ایران

قفل‌ها را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: قفل‌های «ثابت» و قفل‌های «متحرک». قفل ثابت قفلی است که بر روی درب یا صندوق بسته می‌شود. این قفل فاقد کمان است و قفل‌کردن توسط زبانه انجام می‌گیرد. اما قفل متحرک به‌جایی وصل نشده است و عمل قفل‌کردن در این قفل‌ها از طریق دخول کمانه در چفت حاصل می‌شود و چون بر چفت آویزان است به آن قفل آویز هم می‌گویند. یک نمونه‌ی دیگر از قفل‌ها که کارکرد آن‌ها بدون کلید است قفل رمزی می‌باشد که زیرمجموعه‌ای از قفل آویز است.

قفل‌هایی که ذکر آن‌ها رفت همه قفل‌هایی بزرگ برای روی درب هستند و در ایران به «کلون» معروف‌اند. کلون مختص درب‌های بزرگ و سنگین ازجمله ورودی خانه‌ها و باغ‌هاست و در روزگاران گذشته بر درب مقابر و معابد و دروازه‌ی شهرها نیز کار گذاشته می‌شد. در رده‌بندی انواع قفل، کلون جز قفل‌های ثابت محسوب می‌شود (شکل ۴). نوع دیگر قفل‌های ثابت، قفل‌هایی است که به صندوق و صندوقچه زده می‌شود. این قفل‌ها در مقابل قفل درب و دروازه به‌مراتب کوچک‌ترند و از فلز ساخته‌شده‌اند. قدیمی‌ترین و تنها قفل ثابتی که از ایران پیش از اسلام به‌دست‌آمده است، متعلق به دوره‌ی ساسانیان و یا پیش از آن است و از چند قطعه تشکیل‌شده است. این قفل مربوط به یک صندوق چوبی بوده که صندوق چوبی آن به‌کل ازمیان‌رفته و تنها قطعات فلزی صندوق ازجمله گل‌میخ‌ها و قفل آن باقی‌مانده است. (شکل ۵)

شکل ۵: قفل ثابت صندوق، مفرغ با دستگاه کلون دندانه ای، قرن ۱_۳م
أخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران
Figure ۵: Fixed box lock, bronze with toothed clone machine, ۱st-۳rd century AD. Received: Tanavoli, Parviz. (۱۳۸۶). Iran locks

شکل۶: قفل چالشتر
مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران.
Fig 6: Challeshtor lock. Source: Tanavoli, Parviz. (1386). Iran locks

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

### ۴. قفل‌سازی سنتی چالشتر

چالشتر شهری در هشت کیلومتری شهرکرد_مرکز استان چهارمحال و بختیاری_می‌باشد. وجه‌تسمیه این شهر را این‌گونه می‌گویند: در آنجا گودال یا چال وسیعی بوده که شترداران این نواحی شترهای خود را در آن می‌خواباندند[۷]. این شهر زمانی مکان فعالی برای قفل‌سازان بود اما هم‌اکنون افراد کمی مشغول به این حرفه هستند که قفل‌سازی را در اندازه‌های کوچک و به‌صورت تزئینی می‌سازند که اغلب آن‌ها کاربرد آویز گردنبند رادارند. قفل‌سازی سنتی در چالشتر به دوره‌ی صفویه می‌رسد و حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ سال قدمت را دارد.

شکل ۷: قفل چالشتر

مأخذ: عکس از آرشیو شخصی خانم افسانه آربیع.

Fig 7: Challeshtor lock

Source: Photo from the personal archive of Ms. Afsaneh Arbi

سال‌ها پیش فردی به نام استاد عبدالله ریاحی چالشتری از اهالی این شهر به همراه شش تن از دوستانش هنگامی‌که به زیارت خانه‌ی خدا رفته بود، پولشان تمام شد. استاد برای امرارمعاش خود و یارانش دست‌به‌کار قفل‌سازی زد. ایشان حتی مفتخر به دریافت سفارش قفلی برای درب کعبه شد. که این قفل هم‌اکنون نشان اصالت یونسکو را هم دارد. استاد احمد نیکزاد یکی دیگر از قفل‌سازان چالشتر است که قفلی با وزن یک کیلو و ۲۸۰ گرم از جنس طلا که در موزه‌ی حضرت رضا (ع) نگهداری می‌شود ساخته است و کم‌وزن‌ترین قفل جهان به وزن ۵,۱ گرم به دو قطعه که در موزه‌ی لوور پاریس نگهداری می‌شود ساخت ایشان است.

شکل ۸: قفل چالشتر

مأخذ: عکس از آرشیو شخصی خانم افسانه آربیع.

Fig 8: Challeshtor lock

Source: Photo from the personal archive of Ms. Afsaneh Arbi

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

شکل ۹: قفل چالشتر
مآخذ: عکس از آرشیو عکس خانم افسانه آربیع.
Fig 9: Challeshtor lock
Source: Photo from the personal archive of Ms. Afsaneh Arbi

استاد نگهدار خواجه علی یکی دیگر از قفل‌سازان چالشتر است که هم‌اکنون نیز مشغول به این حرفه می‌باشد. ایشان از شاگردان استاد نیکزاد است.

هنر قفل‌سازی این استادان آمیخته با هنرهای قلم‌زنی، طلاکوبی، نقره‌کوبی و منبت‌کاری می‌باشد. آن‌ها روح هنرمندی و خلاقیت خود را بر جسم سرد و خشن فلز می‌دمند و به آن ظرافت و زیبایی می‌بخشند. ظرافت و زیبایی که نه‌تنها چشم‌نواز است بلکه روح مشتاقان هنر را نیز می‌نوازد (شکل ۶). قفل‌سازی چالشتر دارای ۲ شیوه‌ی ساخت به شکل قفل‌های زیره دار و قفل‌های لوله‌ای بزرگ بدون زیره می‌باشد قفل‌های زیره دار در سایز کوچک و در داخل منازل کاربرد دارد و قفل‌های لوله‌ای بزرگ که بسیار محکم هستند و برای بیرون منازل مانند: درب مغازه‌ها و.. کاربرد دارند. تعداد اجزای هر دو قفل به ۱۳قطعه می‌رسد و کلیدها شامل چهار قطعه می‌باشد. ساخت این قفل‌ها به این شکل است که ابتدا تنه‌ی قفل که حاوی دستگاه قفل است ساخته می‌شود و سپس زبانه‌ی آن را که از حلقه‌ی در یا جعبه‌ی آن می‌گذرد جوش می‌دهند و سوراخ قفل را با مته کمانی حفر می‌کنند سپس کار سوهان زدن رویه‌ی قفل و حلقه را انجام می‌دهند و در آخر تمام قفل را پرداخت می‌کنند (ebrahiminaghani,2008,p.87-90) (شکل ۷).

قطعات مورداستفاده در ساخت قفل شامل: تنه قفل که به شکل یک لوله ، دوپایه به شکل ناودانی، یک پین که به‌وسیله‌ی آن دسته روی پایه حرکت می‌کند، دسته، طبلک که در وسط دوپایه داخل لوله قرار می‌گیرد، واشری که انتهای قفل روی آن است. همچنین یک عدد فنر، یک‌زبانه، یک واشر پشت زبانه و مارپیچ؛ درب قفل و ماسوره نیز پرچ می‌شود.

قفل چالشتر دارای دو کاربرد تزئینی و صنعتی می‌باشد و طرح روی قفل عموماً دوپایه به شکل طرح پایه ستون‌های تخت جمشید و یا دو قوی سر و گردن دار و بالدار دارد. شیارهای تنه قفل به شکل نیم‌گرد و دارای طرح بچ و خیارک هستند. ارجاعات نقش و تزئین به نشانه‌های تصویری سنتی اعم از مواردی که گفتیم، ریشه در احترام گذشته و انعکاس اصل هویت در نزد هنرمند صنعتگر دارد. در نمونه‌های ساده صنعتی هم می‌توان این بارقه‌های اندراج وجوه زیبای و معنایی را مشاهده کرد (شکل های ۸ و ۹).

## ۵. زیبایی‌شناسی و کارکرد آیینی، نمادین و مجسمه گونه‌ی قفل

اصل زیبایی‌شناسی در این مجال، تبیین صوری است تا خواننده مجال فراروی از کارکرد ابزاری این دست‌ساخته اصیل را پیدا کند و لختی آنرا به‌مثابه یک ابژه‌ی هنری ببیند؛ آن‌چنان‌که هست. قفل‌های ایرانی به‌قدری واجد ارزش‌های زیبایی هستند که در نگاه غربیان و متخصصین زیبایی به‌مثابه یک کتیبه یا مجسمه می‌نماید. پرویز تناولی یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان فهیم مدرنیست ایران، این دست‌ساخته‌ها را سرشار از ارزش‌های زیبایی شناسانه می‌داند که خود در بسیاری از آثارش خصوصاً مجسمه‌های تنومندش بازنمایی عین به‌عین کرده و همانا یک اثر هنری از دل قفل‌ها ایرانی آشکارا ساخته است. مجموعه‌ی قفل‌های ایرانی آنگاه‌که به‌مانند یک کتیبه با انگیزش‌های مختلف، متنی برای نقر و ثبت صور و نقوش بوده و آنگاه‌که هنرمند صنعتگر فراتر از

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

کاربرد آن، در دستش مجسمه‌ای از حیوانات یا اشیاء مختلف را شکل می‌داد، بخشی از تاریخ کتیبه‌نگاری و مجسمه‌سازی ایرانی در دوران اسلامی است.

مهم‌ترین انگیزه‌ی به کار بستن قفل، حفاظت و امنیت است. هرگاه بشر بنایی ساخته و دربی بر آن نهاده و یا صندوقی درست کرده، به فکر قفل و بست آن نیز بوده و در این زمینه برای انواع درب‌ها، صندوق‌ها و جعبه‌ها قفلی ساخته است. در ایران نیز همین روال وجود داشت و قفل از ضروریات ایمنی زندگی محسوب می‌شد و برای درب ورودی خانه، دکان، کاروانسرا و دروازه‌ی شهر قفلی مناسب با آن ساخته می‌شد. طبیعی است کسانی که با قفل‌سازی ایران آشنا می‌شوند، علاقه‌مند به موارد مصرف آن نیز باشند.

اما ایرانیان علاوه بر جنبه‌ی حفاظت قفل، کارکرد دیگری را هم از قفل انتظار داشتند و این کارکرد حاصل تفکر و ذهنیت اسطوره‌ای و سنتی ایرانیان است.

نیک آگاهیم که مقوله امنیت و روش‌های پاسخ‌دهی بشر به این مقوله در طول تاریخ اشکال مختلفی به خود گرفته است...به نسبت تاریخ طولانی واگذاری این امر خطیر توسط انسان به ارواح و عناصر اثیری و اساطیری در نسبت به واگذاری امنیت به مقوله‌های عقلانی و منطقی همچون گزمه و داروغه و ابزارهای صنعتی و...تاریخ اولی بسی غنی‌تر و گسترده‌تر از مورد بعدی بوده است. این مقوله امنیت بسیار به برداشت‌ها و ادوار تاریخی اندیشه ورزی انسان مرتبط می‌باشد. در دوران اساطیری و دوران دینی و دوران علمی یا دوران منطقی به گفته «لوی برول»، مقوله امنیت و اشکال پاسخ‌دهی انسان متفاوت بوده است. در دوران اساطیری طبیعتاً به علت حضور محسوس ارواح بازدارنده در زندگی انسان و پرهیزگاری و اخلاقی شدن جامعه در دوران دینی و اهاله امور به امر والا و امر تقدیر و قضا و قدر به‌طور چشمگیری بر مقوله امنیت در کلیت آن تأثیرات شگرفی از روح حاکم بر ذهنیت انسان داشته است. ابزارهای صنعتی آرام‌آرام از پی سست شدن ایمان و اطمینان واگذاری حفاظت و حراست اموال به امور متافیزیکی که بعضاً در کار خویش ناموفق عمل می‌کردند؛ به عرصه عمل پاسخ‌های دیگرگون انسان به مقوله امنیت راه پیدا کردند. البته باید خاطرنشان کرد که این ابزارها به‌کلی از ذهنیت پیشین بریده نشدند.

در همان ابتدا تصویرگری انسان و شکل‌دهی به ارواح نگهبان بر روی این ابزار برای قدرتمند کردن آن در انجام تکلیف حراست و نگهبانی و امنیت، نقش می‌شدند تا هم انسان پشت به ارواحی نکند که هنوز بیم آن داشت می‌توانست خود با نیت سست بودن عقیده، به خود وی متمسک به روح نگهبان لطمه بزند؛ و هم به‌نوعی از دو قدرت ابزار و روح نگهبان نیز متقابلاً بهره‌مند گردد. این پندار به‌طورکلی از حیث زیبایی‌شناسی و شکل بخشی به ابزارهایی که اینک به نام قفل نامیده می‌شوند؛ تأثیر چشمگیری داشته است. این روند شکل آفرینی حتی بعدها که کارکرد اسطوره‌ای از آن زدوده شد، به‌کلی از متن این‌گونه ابزارهای حفاظتی رخ برنبست و چون ابعاد زیبایی توأمان با نشانه‌های اسطوره‌ای از همان ابتدای آفرینش و خلق‌کنندگی انسان قابل پی‌جویی می‌باشد؛ چون روح زیبابین و زیباخواه انسان را تطمیع می‌کرد حتی در دوران بعدی ذهنیت قالب انسان همواره باقی ماند. البته در دوران دینی تنها معانی نشانه‌ای تغییر کرد و قرارداد رمزگان و نشانه‌ها همسو با باورهای دینی شد؛ اما به‌طورکلی کردوکار آفرینش گری و زیبایی‌شناختی توأمان حفظ گردیده بود. این زیبایی بخشی بر متن این ابزارها صرفاً شکل و زینت و آرایه نبود، بلکه ساختمان کلی این ابزار نیز در وجه پیکره سازی نیز بر همین مبنا تغییر و تحول یافت. به‌طوری‌که برخی از این ابزارها بیشتر به یک مجسمه مانند بودند تا صرفاً ابزاری در قامت «قفل». هرچند در همین انتخاب حیوانات درنده و قدرتمند برای پیکره قفل از همان ابتدا با ذهنیت تمسک از نام و شمایل صاحب نام بوده و به‌نوعی بر تفکر «نام» با «نامیده» برابر است، قائم و استوار بوده است. مثلاً پیکره قفل به قامت شیر، می‌توانست قدرت شیر را با خود کارکرد مکانیکی قفل در جهت حفاظت و حراست همسو و همراه نماید.

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

شکل ۱۰: درج کلام وحی بر متن قفل در دوران اسلامی. مأخذ:
Fig 10: Inserting the word of revelation on the text of the lock in the Islamic era. Source:
https://www.iranicaonline.org/uploads/files/Locks/locks_fig_5.jpg

در مطالعه‌ای از خانم «هان بی یانگ» استاد هنر در دانشگاه بین‌المللی تجارت شانگ ژی؛ ذیل مقاله‌ی «مطالعه الگو و معنای فرهنگی قفل‌های "طول عمر" در جواهرات سنتی» نشان داده که قفل علاوه بر مقوله محافظ، بشدت با معناهای اساطیری و آئینی سرشته شده است. وی در این مقاله می‌گوید: « به‌عنوان یکی از زیورآلات قدیمی، "قفل طول عمر" اغلب برای پوشاندن کودکان به‌منظور از بین بردن بلایا و دفع ارواح شیطانی استفاده می‌شود...قفل دارای قدرت مقدسی است و می‌تواند زندگی کودک را قفل کند. استفاده از قفل "طول عمر" می‌تواند کودکان را در برابر بلایای طبیعی تا صدسالگی محافظت کند تا مورد شرارت قرار نگیرند. این یکی از اقلام خوش‌یمن است که در باورهای سنتی چینی دارای خواص محافظتی و نجات‌دهنده زندگی است. مضامین تزئینی قفل "طول عمر" بیشتر برگرفته از اسطوره‌ها ، افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه است... قفل‌ها در فرهنگ سنتی چینی به معنای نگهبانی و طلسم کردن هستند [۱]». در قفل‌های ذکر شده، علاوه بر نقش و نگارهای مرتبط با معنای موردنظر و کارکرد هرکدام از حیث بار معنایی و اثربخشی طلسم گونه، نوشته‌ها و متن‌ها هم به فراوانی استفاده‌شده. واژگان و جملات ادعیه گونه و ذکرهای مقدس، که برای دفع بلا استفاده‌شده.

در بین بختیاری‌ها دقیقاً به همین شکل و معنا، در دوران کودکی قفل‌های کوچکی به آذین‌های دیگر گهواره یا تهده و یا به گردن‌آویز یا لباس کودک آویز می‌کنند که تداعی‌گر «خواست طول عمر» و طلسم و «بسته شدن راه ورود بلا» و چشم بد و ..می‌باشد. «کودکان با قفل‌های طولانی‌مدت بر گردن خود امیدوار بودند که سلامتی قفل شده باشد و بیماری‌ها قفل شده باشند تا آن‌ها با خیال راحت بزرگ شوند» (Guoqing, 2017, p. 1481).

در فرهنگ سنتی چین « قفل در "هشت جاودانه" نماد معنای آرزوهای خوب و ایمن بودن است. آزمون پیشگویی "یی تونگ" [Yitong] می‌گوید: "کبک پرنده‌ای مثبت است، قبل از وقوع اتفاقات، واکنش نشان می‌دهد و اطلاع می‌دهد." بنابراین، به‌عنوان پرنده‌ای خوش‌یمن در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند پیش آمدهای آینده و رویدادها را پیش‌بینی کند (بر همین اساس در شکل قفل دیده شده که از فرم این پرنده به‌وفور استفاده‌شده). همچنین قفل‌هایی به شکل کرگدن در آن زمان در معنای خوش‌شانسی استفاده می‌شد. قفل‌هایی به شکل گاو در حال شخم زدن با سر به جلو ، دستهای جلو به عقب کشیده شده و پاهای عقب به‌شدت کشیده شده و دم ها به سمت بالا چسبیده و شاخ‌ها به سمت داخل خم می‌شوند تا (با حالتی اغراق‌شده) معنی مبارزه و تلاش سخت را تداعی کند. قفل‌های برگی شکل علاوه بر زیبایی در شکل، به معنای "برگهای ریخته شده به ریشه بازمی‌گردند" بود، که به طرزی زیبا و دل‌نشین، دلالت بر دل‌بستگی مردم به سرزمین مادری‌شان می‌کرد» (ibd,p.1478).

در چنین تمدن‌هایی که هنر و صناعت با زندگی و معناهای پیدا و پنهان حیات روزمره درهم‌تنیده است، عمده اشکالی که برای شکل ظاهری قفل انتخاب می‌شده؛ جانورانی انتخاب می‌شده که پیشتر دارای بار معنایی متناظر با نگهبانی و سخت‌کوشی و محافظت و ایمن‌سازی و خوش‌یمنی بوده‌اند. «غوک و وزغ برای چینی‌ها نماد "به دست آوردن ثروت هنگفت" بوده و به همین خاطر خصلت جادویی دارد و درآمیختن آن با قفل که خود کارکرد نگهدارندگی و محافظت دارد، بیشتر برای تداعی و فراهم نمودن

---

[۱]–برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به این مقاله در سایت:
https://zbxy.csiic.com/__local/۴/۰B/۳D۷۱FD۱D/۲۰۳B۵۴۵۹۳F۱B/F۸B۱CF۳۶A۵۴۵۹۳F۱B۲۰۳D۷۱FD۱D/۳B۷۸_۷F۹۵D۶۸FB_F۸B۱CF۳۶A۵۴۵۹۳F۱B۲۰۳D۷۱FD۱D.pdf. (متاسفانه این مقاله ارزشمند به زبان چینی است و نشانی از مجله و تاریخ چاپ آن نیست. تنها در سایت دانشگاه ذکر شده در بالا و در سایت های دیگر به همان شکل بدون تاریخ و نام مجله منتشر شده.

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

امر "حفظ ثروت" بوده است» (id). از همین منظر، شکل لاک‌پشت که نماد «عمر طولانی» است، در پیکره‌ی قفل‌های سنتی چینی به‌وفور استفاده‌شده.

در مقوله‌ی نگهبانی و حراست، بیدار بودن و چشمان باز اهمیت بسیار دارد. چینی‌ها فرم ماهی را برای همین منظور در پیکره‌ی قفل‌ها استفاده می‌کنند. «مردم از قفل ماهی برای چشمهای همیشه باز استفاده می‌کنند ، به این امید که خواص آن‌ها در تمام طول شب حفظ شود." وی سانگ در سلسله چینگ در یی شی جی شی (فرهنگ لغت) نوشت: "قفل‌های سلسله ژو به شکل ماهی ساخته‌شده‌اند ، زیرا ماهی‌ها همیشه چشم‌ها را باز نگه می‌دارند." به خاطر همین، مفهوم فرهنگی در مورد قفل‌های ماهی ایجادشده است که با باز نگه‌داشتن چشم‌ها همیشه مانند ماهی، از ویژگی‌های آن محافظت می‌شود» (ibd,p.1481).

در فرهنگ‌های دیگر ازجمله اسلامی به علت منع شمایل، تقریباً با همین انگاره اما به شکلی متناظر با زبان و بیان هنر اسلامی، رخ می‌نماید. در دوران اسلامی با تأسی از این تفکر که زمین و هر چه در کائنات است، آیت و نشانه‌ای از خداوند است (إِنَّ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِلْمُؤْمِنِینَ: به راستی در آسمان‌ها و زمین برای مؤمنان نشانه‌هایی است [The Holy Quran. سوره الجاثیه: آیه ۳] ) و انسان با تدبر می‌تواند نشانه‌های خداوند را ببیند و همچنین نگاه انسان به این باور که در پیرامون انسان، خداوند همیشه حی و حاضر است و حتی از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است، به انواع و اشکال مختلف، در هنر و صناعتگری هنرمندان اسلامی متجلی شد. به این صورت که با ترسیم مستقیم‌ترین و بی‌واسطه‌ترین نشانه‌های خداوند که همانا آیات قرآن می‌باشد، سعی کردند با تأسی از اصل مجاورت، خداوند را حی و حاضر ببینند و حس کنند. هر چیزی خصوصاً دست‌ساخته‌های انسان ملجای حضور وحدانیت و حس حضور حضرت دوست بود (شکل ۱۰).

اعتقاد بر این است که قفل درهای اماکن مقدس مانند امامزاده‌ها، چشمه‌های آب عمومی (سقاخانه‌ها) و مساجد، به‌ویژه مساجد روی پنجره‌های مشبک و ضریح (محوطه آرامگاه امام رضا (ع) در مشهد) دارای قدرت ویژه‌ای است. زائران قفل ضریح را گرفته و نذر می‌کنند و از امام کمک می‌خواهند. برخی از زائران قفل‌های خود را به‌عنوان یادآوری نمادین می‌آورند و آن‌ها را به ضریح دور قبر قفل می‌کنند. آن‌ها معتقدند بااتصال قفل‌ها به ضریح ، حرم مطهر گره آن‌ها را باز و مشکلات آن‌ها را حل می‌کند[۸].

هنرمند مسلمان به باور خیروبرکت گرفتن از خداوند در کسب و پیشه‌اش، همیشه هنرش را به عناصر و نشانه‌های بهره‌مند از قدرت نمایش و حضور خداوند خصوصاً اسماء الله مزین می‌نمود. خصوصاً آن دسته ابزارها و دست‌ساخته‌هایی که باواسطه یا بی‌واسطه با امور قدسی و متافیزیکی در پیوند بودند. در فرهنگ‌های سنتی «کلمات نمادهای مهمی برای بیان افکار و ارتباط عاطفی هستند .از آن‌ها می‌توان برای بیان خواسته‌ها، برکت گرفتن و غیره جدا از الگوهای تزئینی استفاده کرد» ( Guoqing, 2017,p. 1480).

علاوه بر اشیاء و ابزارهایی که در مکانهای مقدس کاربرد داشتند، ابزارهایی همچون قفل و کلید که برآمده از جهان اسطوره، در اندیشه انسان دوران حاکمیت دین، هنوز پیوندی با مصائب و مشکلات و امور راه گشا داشت (جادوی هومیوپاتی). کلید و باز کردن قفل، همسویی و همبودگی عجیبی همیشه با گره‌های زندگی و گشایش دارد. خصوصاً آنجایی که می‌توانست از نشانه‌های بازکننده همه‌ی گره‌ها برای نزدیک‌تر و راغب‌تر کردن حضورش، بهره ببرد.

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

شکل ۱۱: قفل طلسمی برای عشاق. مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران.
Figure 11: Charm lock for lovers. Source: Tanavoli, Parviz. (1386). Iran locks

«قفل»، «گره»، «بسته ماندن» و «پوشیده داشتن» هم‌هویتی بسیاری با یکدیگر دارند خاصه به وجه معنایی و نمادشناسی. از گره و نمادشناسی گره می‌توان به ارزش‌های معنایی قفل رسید. تاریخ نمادشناسی برای گره مختصات بسیار پیچیده و انباشته‌ای از تمدن و فرهنگ بشر به دست می‌دهد که همواره قابل تسری به معنا و نمادشناسی قفل می‌باشد. اگر بر روی پل عشاق در پاریس یا دیگر نمونه‌ها در اروپا، عشاق «قفل عشق» به نرده های پل می‌بندند، در فرهنگ‌های دیگر ازجمله ایران نیز عشاق و جوانان نیز به شاخه‌های درختان مقدس گره به‌مثابه دخیل می‌بندند و در سیزده‌بدر علف‌ها را گره می‌زنند. گره در تفسیرهای نمادشناسیک ذووجهتین است.

در باور ایرانیان قفل وسیله‌ای در برابر حوادث بد و رسیدن آن‌ها به آرزوها و حاجاتشان هست. برای هر باور و عقیده‌شان قفل خاصی وجود دارد. یکی از این قفل‌ها قفل «نظر قربانی» است. این قفل‌ها را که بر پیکرشان انواع دعاها حک شده است مادران به کودکان خود می‌آویختند و هدفشان این بود که کودکان را از زخم چشم مردمان بدچشم حفظ کنند. برخی دیگر از قفل‌های نظر قربانی مورداستفاده زنان باردار بوده است. در برخی روستاهای بختیاری قفل نظر قربانی را زنان قالی‌باف به قالی خود می‌آویختند تا قالی خود را از چشم‌زخم خواسته یا ناخواسته مردمان حفظ کنند. زنانی هم بودند که با حک کردن جادو و طلسم بر روی قفل‌ها خواستار این بودند که محبت همسرانشان را به این طریق جلب کنند (شکل ۱۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

شکل ۱۲: نقش برجسته هشتی ورودی صحن امامزاده شاه عبدالعظیم
مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران.
Fig 12: Embossed porch at the entrance of the courtyard of the shrine of King Abdul Azim
Source: Tanavoli, Parviz. (۱۳۸۶). Iran locks.

یکی دیگر از باورهای مردم ایران قفل بستن به ضریح امامان و امام زادگان بوده است. آن‌ها برای برآوردن حاجاتشان با التماس و تضرع پنجه‌های خود را به ضریح گره میزند و قفل‌هایی را که به ضریح حاجتمندی دیگر آویخته است در دست می‌گیرند تا به صاحب مقبره نزدیک‌تر شوند. این پیوند با قفل زدن به‌نوعی همبودگی این و آن و یکی شدن این و آن و به تعبیر فلسفی «این‌همانی» است. این قفل‌ها به قفل امام معروف‌اند. فروش قفل در نزدیکی امامزادگان از رونق فراوانی برخوردار بود. نقش برجسته زیبایی که در هشتی ورودی صحن امامزاده شاه عبدالعظیم قرار دارد گویای این سخن است (شکل ۱۲). دلیل اینکه چرا ایرانیان این‌گونه باورهایی به قفل داشتند مسلماً به ذهنیت سنتی و اسطوره‌ای یک ایرانی برمی‌گردد. سخنی که جیمز فریزر در کتاب «شاخه‌ی زرین» در مورد جادوی همدلانه می‌گوید؛ به ما در شناخت این ذهنیت اسطوره‌ای کمک شایانی می‌کند. وی می‌گوید: « اگر اصول تفکر را که مبنای جادوست، بکاویم؛ به دو بخش تجزیه می‌شود:

الف) هر چیزی همانند خود را می‌سازد یا هر معلولی شبیه علت خود است.

ب) چیزهایی که زمانی با هم تماس داشتند پس از قطع آن تماس جسمی از دور بر هم اثر می‌کنند.

اصل اول قانون شباهت و اصل دوم قانون سرایت است. الف) قانون شباهت: هر معلول دلخواهی را فقط با تقلید می‌توان ایجاد کرد. ب) قانون سرایت: یک شی مادی هر کاری که بکند اثری مشابه به روی شخصی که زمانی با آن تماس داشته است خواهد نهاد ( Fraser,2004, p.87-89 ). «از نگاه کاسیرر نیز اسطوره همچون تفسیری بر مناسک آیینی است. هنگامی‌که شخصی اجرای مناسک قبیله‌ای را بر عهده دارد او همانند یکی از اعضای قبیله یا خود شخص نیست بلکه اکنون همان چیزی است که در نقش آن ظاهر شده. اگر در نقش خدایان است در آن لحظه همان خداست و ماسک او صرفاً یک صورتک مصنوعی نیست بلکه به او قدرت خدایی خواهد بخشید. با این تفاسیر صورت‌هایی که در خدمت اسطوره قرار می‌گیرند با حقیقت مسلم چیزها یکی شده و به یک کارکرد بدل می‌شود. در این مقام نمی‌توان و نباید چنین تصاویری را از بعد زیباشناسانه ی مبتنی بر الهام و نبوغ تحلیل نمود زیرا که هر بخشی از تصویر و ترکیب‌بندی آن همان است که باید باشد نه ذره‌ای بیش و نه کم. همه‌ی رنگ‌ها و فرم‌ها نخست باید در جایگاه کارکردگرایانه شان دیده شوند (Asgari AlaMouti, 2014, p.3)».

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

پس با توجه به ذهن اسطوره‌ای یک ایرانی نیز از قفل توقعات بیشتری نسبت به کارکرد ابزاری خود قفل که قفل‌کردن است دارد و اگر یک مادر ایرانی قفل نظرقربانی را به کودک خود می‌آویخت واقعاً معتقد به این بود که زخم چشم مردمان را از کودک خود دور می‌کند و این همان قانون سرایت است که «جیمز فریزر» از آن سخن می‌گوید و اگر دخیل می‌بندد بر امامزادگان خویش باور دارد که با قفل‌کردن حاجاتش به ضریح ایشان، گره از زندگی‌اش باز خواهد شد. این همان نظریه ایست که کاسیر از ذهنیت اسطوره به میان آورده است، که «حقیقت مسلم چیزها یکی شده است و به یک کارکرد تبدیل می‌شود».

بعد از پرداختن به کارکردهای آیینی قفل‌ها به قفل‌هایی می‌رسیم که به قفل‌های تصویری معروف‌اند. موضوع قفل‌های تصویری و اینکه چرا این قفل‌ها با اشکال حیوانی و به‌صورت سه‌بعدی ساخته‌شده‌اند نکته‌ی دیگری است. تحریم پیکره سازی در اسلام اگر صنف پیکره‌ساز را از میان برداشت اما بقیه‌ی اصناف سه‌بعدی ساز را به این رشته متمایل ساخت. این همان خصلت بی‌نظیر ایرانی بودن است که «محمدعلی اسلامی ندوشن» در کتاب «ایران و تنهایی‌اش» از آن یاد می‌کند و می‌گوید که هیچ ملتی همان نمانده است و همیشه دچار دگرگونی بوده است. بعضی از ملت‌ها هویت خود را از دست داده‌اند. اما ایران این‌گونه نبوده، هم تغییر کرده هم همان مانده، همیشه می‌رفته و باز به محور باز می گشته.

همان‌طور که پیشتر گفته شد؛ اگر اسلام، ایرانی را از پیکره سازی منع می‌کند؛ او آرام نمی‌نشیند. پیکره می‌سازد اما این بار نه به‌عنوان پیکره و مجسمه‌سازی که بر ضد اعتقادات او قیام کرده باشد، بلکه با راهی دیگر قفل می‌سازد قفل‌های تصویری بسیار زیبا و بی‌نظیر که شکوه مجسمه‌سازی ایران را به یاد خواهد آورد. قفل‌های تصویری با مضامین مختلف، مضامینی که قفل‌ساز انتخاب می‌کند، مضامین ریشه‌داری هستند که از روزگاران قدیم موردتوجه ایرانیان بوده است. شرح و معنای این مضامین می‌تواند کمک در شناخت آثار این دوران باشد.

مضامین این قفل‌ها بیشتر در شکل اسب، شتر، شیر، پرندگان و... بوده است. به‌طور حتم ایرانیان از آغاز تاریخ تا به اسلام هیئت حیوانات و پرندگان را به هیئت انسان ترجیح می‌دادند. این امری است که به‌خوبی در قفل‌سازی مشهود است.

**۵-۱. اسب:** اسب از حیواناتی است که بیش از بقیه توجه قفل‌سازان را به خود جلب کرده، اسب است که آن‌ها را به سه گروه تقسیم کردند. الف) اسب‌های ایستاده و ثابت: تعدادی از آن‌ها هیکلی درشت و سر و گردنی ستبر دارند و اسب‌های ساسانی را به یاد می‌آورند. بر سر این اسب‌ها افسار بسته‌شده و روی بدن و گردن برخی از آن‌ها تزئیناتی انجام‌گرفته شده است. (شکل ۱۳).

ب) اسب‌های ثابت زین‌دار: این اسب ها نیز ثابت و در حالت ایستاده‌اند اما تفاوت‌هایی با اسب‌های پیشین دارند. بدن آن‌ها سنگین و پاهایشان کوتاه است و اسب‌های کردی را به یاد می‌آورند. این اسب‌ها همه زین دارند. برخی از آن‌ها ساده و برخی منقش به دایره‌های خال دارند (شکل ۱۴)

شکل ۱۳_قفل های مفرغی دستگاه فنر خاردار، مربوط به قرن۹_۱۰ م
مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران
Fig 13_Bronze locks of barbed spring machine, related to the 9th-10th century AD
Source: Tanavoli, Parviz. (2007). Iran locks

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

شکل ۱۴: قفل های مفرغی دستگاه فنر خاردار، قرن۹_۱۰ م
مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران
Fig 14: Bronze locks of barbed spring machine, 9th-10th century AD
Source: Tanavoli, Parviz. (2007). Iran locks

شکل ۱۵: قفل های مفرغی دستگاه فنر خاردار، قرن۱۱_۱۳ م
مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران
Fig 15: Bronze locks of barbed spring machine, 11th-13th century AD. Source: Tanavoli, Parviz. (2007). Iran locks

ج) اسب‌های در حال تاخت: سر و گردن و پاهای این اسب‌ها لاغرتر و بدن آن‌ها کشیده‌تر است این اسب‌ها در حال چهارنعل و یورتمه هستند و اسب عربی را به یاد می‌آورند. (شکل ۱۵)

شکل ۱۶: :قفل های مفرغی دستگاه فنر خاردار، قرن۱۱_۱۲ م
مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران
Fig 16: Bronze locks of barbed spring machine, 11th-12th century AD
Source: Tanavoli, Parviz. (2007). Iran locks

**۵-۲. شیر:** قدیمی‌ترین قفل تصویری موجود، قفل شیر است. شیر در فرهنگ ایران سلطان وحوش است. ایرانیان بسیاری از صفات پسندیده از قبیل شجاعت، سخاوت، بردباری را وصف حال شیر می‌دانند. شکل شیر بر در کوبه‌ها و قفل صندوق‌ها به‌منزله‌ی نگهبانی قدرتمند است. قفل‌های شیری به چهار گروه تقسیم می‌شوند:۱- شیر با یال کوهان مانند ۲-شیرهای کم یال ۳- شیرهای نشسته ۴-شیر چاق ، پاکوتاه و ماده‌شیر(شکل ۱۶)

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

شکل ۱۷: قفل های مفرغی دستگاه فنر خاردار، قرن۱۷ م های مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران.
Fig 17: Bronze locks of barbed spring machine, 17th century. Source: Tanavoli, Parviz. (2007). Iran locks

شکل ۱۸: قفل های مفرغی دستگاه فنر خاردار،قرن۱۱_۱۲ م مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران
Fig 18: Bronze locks of barbed spring machine, 11th-12th centuries AD
Source: Tanavoli, Parviz. (2007). Iran locks

**۵-۳. پرنده:** شکل پرنده که از زمان صفویه به بعد جزو موضوع‌های دلخواه قفل‌سازان شد، در اوایل اسلام موضوعی محدود بود. به‌جز چند پرنده‌ی کوچک از قرون اولیه‌ی اسلام، پرندگان زیادی به دست نیامده، حال‌آنکه از قرون میانه‌ی اسلام پرندگان بیشتری پیداشده است.

پرندگان اولیه بیشتر به کبوتر می‌مانند. روی بال دو تا از این کبوترها با خطوط چپ و راست شطرنجی شده و نقشی را در مقابل بدن ساده‌ی آن به وجود آورده است. کبوتر دیگر علاوه بر نقش بال نقشی هم روی گردن دارد و باید کبوتر طوقی باشد.

چند قفل پرنده‌ی دیگر از قرون میانه‌ی اسلام پیداشده است که تناسبات و حالاتی مختلف با کبوترهای بالا دارند. این‌ها بدنی کشیده‌تر و پاهای کوتاه‌تر و نوکی بلند دارند و برخی دارای کاکل هستند.این قفل‌های بیشتر به مرغابی و اردک می‌مانند. (شکل‌های ۱۷ و ۱۸).

شکل۱۹_قفل های مفرغی در مضامین مختلف. مأخذ: تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل های ایران.
Fig 19_Bronze locks in different subjects. Source: Tanavoli, Parviz. (2007). Iran locks

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

مضامین دیگری مانند گاو و گاومیش، آهو، گوزن، خرگوش، ماهی، بز، قوچ، شتر وجود دارند که در این مقال مجال توضیح برای هرکدام نیست و به نشان دادن تصاویری از آن‌ها بسنده می‌کنیم. (شکل های ۱۹).

زیبایی حیرت‌انگیز قفل‌های مجسمه گونه، به‌خوبی یادآور تفکر چندبعدی هنرمندان و صناعتگران ایرانی است که همان زمان که بر باور خویش راسخ هستند، راه‌های تبدیل و تبدل و جلوه گری زیبایی شناسانه را جستجو کرده و پیاده می‌سازند. تفکر «ساختن» وجهی از جوهره ذاتی هنرمندان است که در مواقع محدود و تعزیر، بر بال خیال می‌نشیند و فارغ از کارکرد چیزها و محل استفاده‌شان، خلاقانه راه‌های جبران و برون‌رفت از معذورات را می‌یابد.

باوجوداینکه هنرمندان سنتی ایران، تقریباً بر روی تمام دست‌ساخته‌های خود، هنرنمایی می‌کردند، اما قفل بدون داشتن کارکردهایی ازجمله کارکردهای اسطوره‌ای و نمادین که وزنی سنگین از اعتبار و چندسویه گی را در خود دارد، نمی‌توانست این‌همه موردتوجه قرارگرفته و این‌همه پرطمطراق شود. ظرفیت‌های تزئینی و فرمی قفل‌های ایران، نشان‌دهنده وزن و اعتبار کارکردی این دست‌ساخته است و توجه به ابزار به‌عنوان زمینه‌ای برای هنروزی، نشان‌دهنده وزن و اعتبار تاریخی آن اندیشه است. به این اعتبار که معانی اسطوره‌ای قفل و اتمسفر نمادینی که پیرامون قفل و کلید (گره–گشایش) وجود دارد، گواه آن است که آنچه امروزه به‌عنوان خرافات می‌شناسیم، در فکر انسان ایرانی بسیار قدرتمند و پررنگ بوده و همچنان هم به نظر می‌رسد که هست.

## ٦. پیشنهادهایی برای حفظ ارزش‌های فرمی و معنایی قفل‌های ایرانی

قفل‌های سنتی خصوصاً قفل‌های ایران به این شکل و هیبت که شناختیم، یک ابزار ساده با کاربرد و کارکرد محدودی نیست که به‌راحتی بتوان آنرا به‌مانند یک ابزار دید و با تغییر فنّاوری، و آمدن فنّاوری‌های برتر آنرا به کناری نهاد و به دست فراموشی سپرد. قفل‌های ایرانی خصوصاً آنچه از چالشتر دیدیم، کتابی از اندیشه و هنروری است. توقع آن نیست که باوجود فنّاوری‌های به‌روز در صنعت قفل‌سازی، به‌صرف حفظ هویت، از قفل‌های سنتی بر منازل و مکان‌ها استفاده کرد. اما به‌طور قطع و یقین بی‌توجهی به وجوه زیبایی شناسانه و معنایی مندرج در هنر–صنعتهای قدیمی ازجمله قفل؛ باعث می‌شود که در مرحله جایگزینی قفل‌های جدید به‌جای قفل‌های سنتی و نیز دیگر ابزارها و دست‌ساخته‌های قدیمی که مشحون از ارزش‌های هنری و زیبایی شناسانه هستند، تمامی میراث هنری مندرج در آن‌ها نیز دفن خواهد شد.

ما باید با نگاه ویژه به کارکردهای زیبایی شناسانه هنر–صنعتهای قدیمی، آن‌ها را حفظ و از دفن شدن در کنار کارکرد ابزارمند دست‌ساخته‌ها جلوگیری کنیم. اما چگونه و به چه شکلی؟ سؤال اساسی این است که چگونه می‌توانیم از اضمحلال ذوق و طبع زیبایی‌شناسی گذشتگان که اکثراً در اثناء کارکردهای افزارمند در متن محصولات و دست‌ساخته‌های تجلی‌یافته بود، جلوگیری کنیم؟

نگارنده اول این تحقیق پیشتر در پژوهش‌هایی همچون مقاله «پژوهشی پیرامون نمد و نمدمالی چهارمحال بختیاری با تحلیلی بر ظرفیت‌های خاص و تغییر در کارکرد نمد [۱۰]» در بخش راهکارهای حفظ ارزش‌های زیبایی شناسانه مندرج در هنر–صنعتهای ایرانی، با طرح این مسئله که نمی‌توانیم با تعصبِ «حفظ سنت‌ها»، مثلاً کت و شلوارا مارک هاکوپیان را از تن درآورده و مثلاً بالاپوش نمدی بر تن کنیم، توضیح داده که چگونه می‌توان با «تغییر در کارکرد»، برای مبلمان اسپرت آپارتمانهای امروزین، از نمد زیرانداز تزئینی (ست کردن مبلمان و لوازم صوتی جدید مثل تلویزیون و سیستم‌های صوتی با یک قطعه زیرانداز نمدی با طرح‌های ساده هندسی و مینی مال) برای هماهنگ کردن اثاثیه منزل ساخت و همان شیوه نقش اندازی نابی که وقتی با بافت نمد در هم آمیخته می‌شود، هوش از سر آدم می‌برد را حفظ کرد. یا با تغییر کارکرد مفرشی نمدهای قدیمی به «تابلو نمد»، آن کارکردهای زیبایی شناسانه ملحوظ در طرح و نقش نمدهای قدیمی را حفظ کرد و حتی بدین واسطه صنعت نمدمالی سنتی را هم احیاء کرد. کلیت مفهوم «تغییر و تحول در کارکرد[۱۱]»

در خصوص دیگر هنر– صنعت‌های سنتی و قدیمی نیز به همین منوال می‌توان عمل کرد. وجوهی ازجمله کارکردهای زیبای شناسانه و مجسمه گونه در قفل‌های فاخر قدیمی ایرانی هست که می‌توان از آن‌ها به‌مثابه ظرفیت استفاده کرد. قفل با کارکردهایی

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

تاریخی که بر آن حمل شده، هنوز می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ی پر مغزی در آثار هنری ازجمله چیدمان‌ها، آویزها و آرایه ها و اسمبلاژها و نیز محصولات تزئینی مربوط به دکوراسیون و پارتیشن‌بندی‌هایی که صبغه‌ی هویت ایرانی دارند، بازتولید شود.

## نتیجه‌گیری

در پایان جامعه بدوی، با افزایش مستمر بهره‌وری و ابداع و کاربرد ابزارهای تولید، مالکیت خصوصی در جامعه بشری پدیدار شد. در همین راستا به‌منظور حفاظت از ایمنی مالکیت خصوصی ، قفل درها متولد شد.

تزئینات و نقش و نگارهای قفل نشان‌دهنده  علاقه سازندگان به زیبایی و احترام به زندگی است. زیبا ساختن دست‌ساخته و ابزارهای موردنیاز بشر نشان از علاقه‌مندی به مقوله حیات و تکریم مفهوم زندگی در کلیت خویش است. هرجایی که زیبایی به دست‌ساخته‌ها علاوه شده باشد، نشان از رونق عشق به زندگی در وهله اول دارد و در ادامه نشانگر زیبا شدن مفهوم زندگی و رونق ابعاد مختلف آن ازجمله حس سعادتمندی، رضایت و توسعه رفاه می‌باشد. رونق و آمیزش زیبایی هنری با صناعت در هر دوره‌ای، رابطه تنگاتنگی با اوج گرفتن ارزشمندی «مفهوم زندگی» در آن دوران دارد.

قفل‌های سنتی ایران خصوصاً نمونه‌هایی که در این مقاله بدان‌ها پرداخته شد، دارای دلالت‌های فرهنگی زیادی هستند که نشان‌دهنده نگرش جامعه، آگاهی زیبایی‌شناختی، تمهید و شگرد سازی برای فراروی از عوامل محدودکننده و بازدارنده‌ی خلاقیت و هنر می‌باشند.

این قفل‌ها به‌عنوان حامل‌های مهم فرهنگ و آداب‌ورسوم و از همه مهم‌تر طرز نگرش و تلقی استفاده‌کنندگانشان به مقوله‌های مهم زندگی اعم از طول عمر و نگهبانی و در امان ماندن از بلایا و امور ناخرسند و مقوله ثروت و .. می‌باشد. این مردمان معانی فرهنگی را از طریق مواد، اشکال و تزئینات، با ارزش زیبایی‌شناختی درهم‌آمیخته و منعکس می‌کنند که نشان از هوش و خلاقیت و تعهد اخلاقی به مفاهیم مدغم در زندگی دارد.

قفل چه به‌عنوان ابزاری عینی برای محافظ و امنیت و چه به لحاظ نمادین در مسیر مدیریت و هدایت انرژی‌های کیهانی و جادویی، یکی از قدیمی‌ترین ابزارهایی است که نقش و جایگاه خود را تا کنون حفظ کرده است. «قفل عشق»، نمادی از پیوند ناگسستنی است که عشاق نام خویش(به شکل کامل یا اختصار یا به‌صورت نمادین) را بر روی قفل حک کرده و کلید آنرا در رودخانه یا دوردست‌ها می‌اندازند. قفل عشق تقریباً مختص به یک کشور و فرهنگ نیست، بلکه به لحاظ همین گستره‌ی وسیعش از فرانسه تا آمریکا، از کره جنوبی تا روسیه و از چین تا ایتالیا، نشان از قدمت رازآلودگی و خصائل نمادین و جادوئی «قفل» و هم‌نوا شدنش با مقوله‌های مهمی همچون عشق و امنیت در زندگی انسان دارد. دوام و استمرار خصلت جادوئی و رمزی قفل تا دوران معاصر، از اهمیت و قدمت این ابزار با جنبه‌های روانی و باورمندی جادومحورانه ذهن انسان حکایت دارد.

پدیدارها از دست‌ساخته‌های بشری گرفته تا مجموعه طبیعت برای انسان در ادوار تاریخی واجد معانی و جلوه‌های متفاوت و بعضاً عجیبی بوده است. پدیده‌ها و چیزها در جهان اسطوره هیچ‌گاه صرفاً یک کارکرد نداشته و هم‌زمان می‌توانسته واجد کارکردها و معانی مختلفی باشند. به‌طور ویژه دست‌ساخته‌های انسان در ادوار تاریخی همیشه علاوه بر علت کاربرد ابزاری‌شان، از جلوه‌های رمزی و نمادین بسیاری بهره‌مند بوده و منشاء معانی و کارکردهای آئینی و رمزی بسیاری بوده است. از دیگر وجوه این آثار ارزش‌های طراحی و فیگوراتیو آن‌هاست که امروز برای انسان مدرن و به‌زعم «لوی برول[۹]» «انسان منطقی» و «پسا عرفانی» به همانند یک مجسمه یا یک دفتر نقاشی جلوه می‌کند. حال آنکه کمترین غرض از ساخت و برداشتی از این دست را انسان سازنده و مصرف‌کننده آن ممکن بود از این نشانه‌های تصویری و ریخت شناسانه داشته باشد.

قفل یکی از این‌گونه دست‌ساخته‌هاست که به‌مثابه دفتری خوش‌نقش‌ونگار دارای جلوه‌های نمادین و رمزی بسیاری است که می‌تواند کارکرد ذهنی انسان اسطوره‌ای و مذهبی را تبیین کند. این دست‌ساخته سنتی و قدیمی ایرانی در دوران پس از اسطوره و مذهب، توانسته جلوه‌های نمادین و ظاهری و فیگوراتیو خود را حفظ کند و از همین منظر دارای زیبایی‌های خاصی است. این جلوه‌ها خود می‌تواند بهانه مناسب و موجهی جهت احیاء و بازتولید آن‌ها باشد. قفل ایرانی خاصه قفل چالشتر، شاهد عینی هنر ورزی ایرانیان در ضمن دست‌ساخته‌های کاربردی است. این قفل‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه هنرمند ایرانی تحریمها را به کناری می‌نهد و ضمن احترام به باورهای مرسوم، اصالت هنر را ترک نکرده و ظرفیت‌ها را در زمینه‌ای دیگر می‌سازد و می‌نشاند.

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

باید بیندیشیم چگونه می‌توان هنرهای سنتی کهن را که تصاویر گویایی از فرهنگ و ملیت ما هستند را دوباره احیا کنیم. اگر ما ایرانی‌ها همان ایرانی‌هایی مانده‌ایم که دکتر ندوشن از آن یادکرده است «هم تغییر می‌کنیم هم همان می‌مانیم». اگر فرمانروایی سیاسی از دست می‌دهیم فرمانروایی فرهنگی را ادامه می‌دهیم. اگر همان ایرانی‌ها هستیم، چرا با آمدن مدرنیته در جهان خود را گم و فراموش کرده‌ایم؟. متأسفانه در جامعه‌ی کنونی ایران نه تحت یک مدرنیته است نه پایبند به اصول سنتی و فرهنگ و تمدن ریشه‌دار خود. امیدواریم روزی برسد که ایرانی از این ورطه بیرون بیاید و خود را با دنیای مدرن امروزی پیوند زده و با سلطه دادن معناهای زیبایی شناسانه‌ی فرهنگش در بطن مدرنیته، ضمن حفظ ارزش‌های اصیل ایرانی، پویا و کارآمد فرهنگ کهن و اصیل را جانی تازه داده و چابک‌تر پیش ببرد.

## پی‌نوشت‌ها

۱- قفل=https://www.vajehyab.com/?q

۲- https://www.iranicaonline.org/articles/locks-and-locksmiths-in-iran

۳- گریشمن به نقل از هانس ای. وولف، صنایع‌دستی کهن ایران ، ترجمه‌ی دکتر سیروس ابراهیم‌زاده ، تهران ۱۳۷۲، ص.۶۰.

۴- https://www.iranicaonline.org/articles/locks-and-locksmiths-in-iran

۵- kaškul کاسه‌ای که به درویش در آن صدقه و غذای داده می‌شد

۶- https://www.iranicaonline.org/articles/locks-and-locksmiths-in-iran

۷- برای کسب آگاهی بیشتر مراجعه کنید به : سنایی، حسین. (۱۳۷۸): *مروری بر صنایع‌دستی استان چهارمحال و بختیاری*. شهرکرد: نشر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی چهارمحال و بختیاری. ص ۲۴۹.

۸- https://www.iranicaonline.org/articles/locks-and-locksmiths-in-iran

۹- لوسین لوی برول، فیلسوف و انسان‌شناس فرانسوی بود. وی به خاطر پژوهش‌های گسترده در مورد چیزی که ذهنیت ابتدایی می‌نامد، بسیار نامدار است. لوی برول در کتاب‌های مختلفش که چند تایی از آن‌ها به فارسی ترجمه‌شده است، برای تبیین ذهنیت ابتدایی یا همان ذهنیت پیشامنطقی، از مؤلفه‌ای به نام قانون آمیختگی (participation law) استفاده می‌کند. مؤلف اول این مقاله در تز دکتری خود برای تبیین هنر قومی ایران از این مؤلفه و نظریه لوی برول استفاده کرده و زیبایی‌شناسی و نشانه‌شناسی هنر قومی ایران را تبیین کرده است.

۱۰- مجله‌ی «کتاب ماه هنر» اسفند ۱۳۸۸ – شماره ۱۳۸ . ص ۷۲-۸۱

۱۱- Changes in function

## References


Asgari Al-Mouti, Hojjatullah. (2013). The Relationship between Myth and Art in the Thought of Ernest Cassirer. Walter Benjamin and Theodore Adorno. Journal of Fine Arts. No. ۱new course.

[عسگری الموتی، حجت‌الله. (۱۳۹۲). مناسبات اسطوره و هنر در تفکر ارنست کاسیرر، والتر بنیامین و تئودور آدورنو. مجله هنرهای زیبا. شماره ۱ دوره جدید. ]

Dehkhoda, aliakbar (1998). Dehkhoda Dictionary. Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran, Volume 11. [in Persian]

[دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) . لغتنامه‌ی دهخدا. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد یازدهم.]

Ebrahimi Naghani, Hossein and Sara Yazdanpanah. (2008). Chaleshtar lock; Construction method, beauty and pathology. journal of Art Month book. August. Issue (۱۱۹), 84-91. [in Persian]

[ابراهیمی ناغانی، حسین و سارا یزدان پناه. (۱۳۸۷). قفل چالشتر؛ شیوه‌ی ساخت، زیبایی و آسیب‌شناسی، کتاب ماه هنر، مرداد. شماره ۱۱۹، ۸۴-۹۱.]

Fraser, James. (2004). The Golden Branch, translated by Kazem Firoozmand. Tehran: Agah Publishing. Second Edition. [in Persian]


[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]

[فریزر، جیمز. (۱۳۸۳). شاخه‌ی زرین. ترجمه‌ی کاظم فیروزمند. تهران، نشر آگاه، چاپ دوم.]

Guoqing, peng and Li Fuxing, Chen Peng, Cheng Yong. (2017). Chinese Ancient Locks: Shapes, Forms and Cultural Connotations, Advances in Social Science, Education and Humanities Research, volume 123, (1477-1482), Atlantis press.

Madhoushian Nejad, Mohammad, Askari Elmuti, Hojjatollah. (2016). Qualitative and quantitative differences in the evolution of Qajar sash window in Tabriz. Journal of Art and Architecture (Fine Arts - Visual Arts) (68), 77-84. [in Persian]

Moein, Mohammad.(2002) Moein Dictionary. Tehran: nashr ketab rahe noo Publishing. [in Persian]

[معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: نشر کتاب راه نو.]

Say, I. And C. Pollard. (1991). "An Integrated Theory of Complement Control," *Language*, 67, 63-113

Tanavoli, PARVIZ (2007). Iranian locks. Tehran: Bongah Publishing. [in Persian]

[تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). قفل‌های ایران. تهران: انتشارات بن گاه.]

Wolf, Hans. O(1993). Ancient Iranian handicrafts. translated by Sirus Ebrahimzadeh. Tehran: Islamic Revolution Education Publishing. [in Persian]

[وولف، هانس. ای. (۱۳۷۲). صنایع‌دستی کهن ایران. ترجمه‌ی سیروس ابراهیم‌زاده. تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی.]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[ Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2022-08-11 ]